روزنامه شرق

موسی ابومرزوق:

بدون مقاومت به هدف سیاسی هم نمی‌توان رسید

«موسی ابومرزوق» از شخصیت‌های معتدل و میانه‌رو حماس است؛ هرچند او روزگاری از دوستی خوبی با ایران و حزب‌الله برخوردار بود؛ اما بعدها به‌دلیل برخی اظهارات نسنجیده و موضع‌گیری‌های این گروه در قبال تحولات سوریه رابطه حماس با ایران و حزب‌الله سرد شد و رفت‌وآمدهای ابومرزوق نیز به ایران و لبنان کاهش پیدا کرد. حماس درعین‌حال رابطه گرمی با قطر داشته و دارد. در این مصاحبه ابومرزوق درباره شرایط کنونی و درونی فلسطینی‌ها و به‌ویژه فتح و حماس می‌گوید.

سفر «اسماعیل هنیه»، معاون دفتر سیاسی حماس، به قطر طول کشید. آیا مانعی برای بازگشت او به غزه وجود دارد؟

او به صورت موقت در قطر است تا کارهای خاص جنبش را انجام دهد. ماه آینده به غزه خواهد رفت و هیچ مانعی برای بازگشت او وجود ندارد.

آیا درست است که هنیه خود را برای ریاست بر دفتر سیاسی آماده می‌کند و به‌همین‌دلیل قصد دارد در خارج اقامت داشته باشد؟

نزد ما انتخابات از پایین‌ترین سطوح آغاز می‌شود؛ بنابراین هیچ‌کس نمی‌داند نامزد ریاست دفتر سیاسی در مراحل نهایی چه کسی خواهد بود.

گفته می‌شود یک بازنگری در سیاست‌های جنبش حماس صورت گرفته است. این مطلب را «خالد مشعل» اعلام کرد. این مسئله نظر خودش بود یا حماس؟

نظر شخصی‌اش بوده؛ زیرا هنوز ارزیابی کلی اتفاق نیفتاده است. به‌ویژه درباره آن چیزی که بعضی تک‌روی در قدرت می‌خوانند و می‌گویند حماس خودش به‌تنهایی دولت تشکیل دهد. این جنبش از ابتدا نخواست دولتی انفرادی تشکیل دهد. به‌طورکلی اوضاع فلسطینی‌ها به‌گونه‌ای است که هیچ گروه یا تشکیلاتی نمی‌تواند به صورت انفرادی دولت داشته باشد.

درباره سند بازنگری‌ها بگویید. آیا می‌شود رئوس آن را بگویید؟

در زمان خودش اعلام خواهد شد. این سند بازنگری نیست؛ بلکه بیشتر یک سند سیاسی است که در آن اصول و مواضع این جنبش در سال‌های گذشته اعلام شده است.

آیا دارای بندهایی هست که بخواهد جنبش حماس را از صحنه سیاسی کنار بگذارد یا نخواهد در تشکیلات دولت خودگردان مانند مجلس قانون‌گذاری یا دولت مشارکت داشته باشد؟

مشارکت در دولت یک بحث قدیمی در جنبش ماست. تصور نمی‌کنم جنبش حماس امکان آن را داشته باشد که بتواند خود را از عرصه سیاسی خارج کند؛ به‌ویژه بعد از آنکه اکثریت مجلس قانون‌گذاری را به دست آورد. ما دیدیم که انتخابات شوراها نیز که قرار بود ماه گذشته برگزار شود، لغو شد؛ چون ترسیدند حماس انتخاب شود. متأسفانه قوه قضائیه فلسطین سیاسی شده؛ هرچند قرار است این دستان را دادگاه پیگیری کند؛ به‌هرحال حماس نمی‌تواند و اجازه ندارد به کلی از صحنه سیاسی خارج شود؛ درعین‌حال مقاومت ستون فقرات ماست و اعتقاد داریم بدون مقاومت نمی‌توان دست به یک عمل سیاسی هم زد.

اما کسانی هستند که می‌گویند کار سیاسی در سایه اشغال‌گری خاصیتی ندارد.

این موضوع دیگری است. درست است که نظام سیاسی فلسطین در سایه اشغال‌گری است و نمی‌تواند مستقل باشد؛ اما حاصل تلاش‌های یک فرد مقاوم را نمی‌توان جز از راه سیاست به نتیجه رساند؛ اما چرا حماس این وضعیت نامقبول- یعنی در چارچوب اسلو- را پذیرفته؛ چون این یک وضعیت موجود است. دولت فلسطین یک واقعیت در زندگی فلسطینی‌هاست. ما از پنج‌میلیون فلسطینی در کرانه باختری و غزه و بیت‌المقدس صحبت می‌کنیم که با تعداد صهیونیست‌های مهاجمی که به فلسطین آمده‌اند برابری می‌کند. وقتی اسلو آمد، دولت و انتخابات برگزار شد. ما ابتدا در آن مشارکت نکردیم؛ اما دیدیم به لحاظ منطقه‌ای و بین‌المللی این یک واقعیت موجود است؛ ازاین‌رو جنبش حماس هم با این واقعیت تعامل کرد.

برداشت شما از رأی دادگاه قانون اساسی و اینکه به رئیس‌جمهوری فلسطین اختیار عزل یا رفع مصونیت از یک عضو مجلس قانون‌گذاری داده، چیست؟

به اعتقاد من دادگاه قانون اساسی خطای بزرگی را مرتکب شد. به جای اینکه کاری حرفه‌ای کند و به دنبال احکام آشتی جویانه باشد، به دنبال صدور احکام عجیب‌وغریبی رفت که سابقه قضائی مضحکی دارد. به موجب این حکم رئیس‌جمهوری می‌تواند مصونیت همه اعضای مجلس قانون‌گذاری را بردارد.

برداشت شما از این تصمیم چیست؟

به‌طور شخصی می‌گویم این برای راضی‌کردن رئیس‌جمهوری بوده و نه بیشتر، زیرا اوست که اعضای این دادگاه را تعیین می‌کند. هدف از این کار آماده‌شدن برای کنگره فتح بوده؛ زیرا این جنبش دارای مشکلات داخلی است.

آیا تصمیم دادگاه به‌مثابه یک شمشیر داموکلس بر سر اعضای حماس یا فتح در مجلس قانون‌گذاری خواهد بود؟

فرقی نمی‌کند. این یک حکم غیرعقلانی یا غیرقانونی است، حالا مهم نیست که شامل این یا آن عضو شود.

واضح است که اسرائیل خود را برای بعد از ابومازن آماده می‌کند. آیا شما سناریوهایی برای چنین وضعیتی دارید؟ البته قانون فعلی به ابومازن اجازه می‌دهد برای بار سوم هم نامزد شود.

درباره رئیس دولت و اینکه قانون او را از نامزدشدن باز دارد، همه اینها در اختیار رئیس‌جمهوری گذاشته شده است. او می‌تواند برای انتخابات فراخوان ندهد؛ اما سؤال شما درباره شکل آینده سؤال مهمی است و باید برای آن جوابی پیدا کرد؛ زیرا خیلی از پست‌ها و ریاست‌ها برعهده رئیس‌جمهور است. بعد از رأی اخیر دادگاه قانون اساسی این اختیارات بیشتر هم شد و حتی سرنوشت مجلس قانون‌گذاری را هم در دست رئیس‌جمهور گذاشت.

این سؤالی است که نه‌تنها اسرائیل که دولت‌های عربی تأثیرگذار و البته حماس و... هم دارند؛ یعنی همه بخش‌های فلسطین با این سؤال درگیر هستند. حال نخستین کسی که باید به آن جواب بدهد جنبش فتح است؛ به‌خصوص به خاطر اینکه محمود عباس، رئیس کمیته مرکزی این جنبش است. آنها باید به این سؤال جواب بدهند. تا الان جوابی نداده و معاونی برای او تعیین نکرده‌اند.

مسئله دوم، ریاست سازمان آزادی‌بخش فلسطین و ریاست بر دولت خودگردان است. در رابطه با ریاست، دولت با انتخابات مستقیم مردم تعیین می‌شود و همه بخش‌های ملت براساس وزن‌شان در آن تأثیر خواهند گذاشت.

آیا شما با طرح جهاد اسلامی با همه جزئیاتش موافقید؟

از لحاظ موافقت با اصل این طرح به‌عنوان یک نمونه از طرح سیاسی باید گفت خوب است. حتی بیشتر از خوب و چیزی را که می‌خواهد به آن برسد ممتاز است. اما آیا برای مثال، جنبش فتح که یکی از مهم‌ترین جنبش‌هاست موضعش دقیق محاسبه شده که با این طرح چه برخوردی خواهد داشت؟ آیا کشورهایی که در پرونده فلسطینی اثرگذارند مانند اردن و مصر با این نوع طرح‌ها تعامل خواهند داشت؟ می‌بینید که مسئله خیلی پیچیده است.

پس به نظر شما این طرح تأثیری بر وضعیت فلسطین ندارد؟

درباره طرح به‌طور کلی با بندهای دهگانه‌اش در همه گفت‌وگوهای فلسطینی بحث می‌شود، اما با هیچ‌کدام از بندهایش تعاملی مثبت نشده است؛ به طور مثال می‌گوید دولت خودگردان باید منحل شود؛ چون ما در یک مرحله آزادی‌بخشی ملی هستیم. اما بعد از انحلال دولت خودگردان چه می‌شود؟ شما با یک نظام سیاسی مستقر چه می‌خواهید بکنید؟ نظامی که بیش از ۲۰۰ هزار کارمند دارد و با حقوق این دولت دارند زندگی می‌کنند؟ شما آن وقت چگونه می‌خواهید یک دولت سیاسی دیگر براساس توافق‌نامه‌های بین‌المللی تأسیس کنید؟ مسئله به این آسانی نیست.

بندهای این طرح جالب است. اما انتظار نداریم تأثیری در روند سیاسی فلسطین یا بر روابط فلسطین و کشورهای عربی داشته باشد. طرح جهاد اسلامی می‌گوید باید طرح صلح اعراب پس گرفته شود حال آنکه این طرح بین کشورهای عرب و در سطح بین‌المللی محمل بحث است. برداشت جدیدی از این طرح، البته هزار بار بدتر از خود آن خواهد بود. طرح جهاد می‌گوید این پیشنهاد باید لغو شود، اما فکر نمی‌کنم کسی در سطح کشورهای عرب آن را بپذیرد.

درباره آشتی، فلسطینی‌ها دیگر از این سلسله دیدارها و گفت‌وگوها برای آشتی خسته شده‌اند. نظر شما چیست؟

مردم حق دارند از این وضع خسته شوند. اما حماس نمی‌تواند به روند آشتی پشت کند. نمی‌تواند از آن دست بکشد و بگذارد هر طور که می‌خواهد ادامه پیدا کند، اما چرا توافقات آشتی اجرا نمی‌شود؟ به‌صراحت می‌گویم موضوع به محمودعباس (ابومازن) برمی‌گردد. این اوست که به جامعه بین‌المللی و اسرائیل در موضوع آشتی ملی بیش از تمایلات ملت فلسطین اعتبار می‌دهد. او می‌تواند این پرونده را خاتمه دهد؛ اما خودش دیدگاه دیگری دارد. نمی‌خواهد در صورت مشارکت حماس، دولت فلسطین با نهادهایش را درگیر کند. نمی‌خواهد در صورت مشارکت حماس در دولت خودگردان، یک محاصره تحمیلی را بر نظام سیاسی فلسطین هموار کند. اینجا یک وتوی آمریکایی - اسرائیلی وجود دارد که در صورت مشارکت حماس تحریم‌ها خواهد بود. طبعا ابومازن نمی‌خواهد مجلس قانون‌گذاری تشکیل شود چون حماس در آن مشارکت دارد. همچنین نمی‌خواهد حماس در دولت خودگردان حضور

> **درست است که نظام سیاسی فلسطین در سایه اشغال‌گری است و نمی‌تواند مستقل باشد؛ اما حاصل تلاش‌های یک فرد مقاوم را نمی‌توان جز از راه سیاست به نتیجه رساند؛ اما چرا حماس این وضعیت نامقبول- یعنی در چارچوب اسلو- را پذیرفته؛ چون این یک وضعیت موجود است. دولت فلسطین یک واقعیت در زندگی فلسطینی‌هاست**

داشته باشد؛ بنابراین چطور می‌تواند از آشتی حرف بزند؟ حماس نیز نمی‌تواند تمایلات ابومازن را دراین‌باره بپذیرد. همه مسائل مربوط به آشتی ملی که در هشت سال گذشته داشته‌ایم به همین روال بوده. همه آنها نزد محمود عباس گیر کرده است. همه اینها به دست اوست و او نمی‌خواهد آشتی به ثمر بنشیند. وقتی انتخابات شوراها اعلام شد، باوجود اینکه با حماس مشورت نشده بود، اما ما موافقت کردیم و آنها آمدند و بلافاصله آن را لغو کردند.

آیا می‌شود گفت شما خواستار آشتی هستید اما نمی‌توانید آن را تحقق بخشید؟

ما خواستار آشتی هستیم. آشتی بین دو طرف. نه یک طرف واحد. ما برای این آشتی بهای زیادی داده‌ایم، از جمله استعفای دولتی که ما به مشروعیتش اعتقاد داشتیم؛ یعنی دولت اسماعیل هنیه در سال ۲۰۱۴. ما آقای حمدالله را به‌عنوان رئیس یک دولت وفاق ملی معرفی کردیم. بااین‌حال، موضع حماس پذیرفته نمی‌شود. ما می‌خواهیم آشتی صورت بگیرد، اما ابزار آن را نداریم.

در دیدار اخیر عباس و رهبران حماس در دوحه آیا توافقی صورت گرفت تا دوباره گفت‌وگوهای آشتی ملی از سر گرفته شود؟

سه دیدار در دوحه صورت گرفت. ما در این دیدارها گفتیم نیازی به توافقات جدید نداریم، بلکه نیازمند راهکاری برای تحقق این توافقات هستیم. در عمل نیز این راهکارها را معین کردیم و گفتیم آنها را امضا می‌کنیم تا هرکس به جایگاه خودش برگردد. یک دیدار در ماه فوریه بود. در ماه مارس هم دو دیدار دیگر داشتیم. حماس در این دیدارها نقطه‌نظرات خودش را ارائه داد، اما فتح هیچ چیزی ارائه نکرد. بعد درباره نقطه‌نظرات حماس بحث شد. بعد برگه‌ای را آوردیم که همه بندها را در خود داشت و فتح و حماس هر دو با آن موافقت کردند. سپس باید به سمت اجرا می‌رفتیم؛ اما کمیته اجرائی فتح به آن اعتراض کرد. دوباره هیأتی تشکیل شد و ما گفت‌وگوها را از سرگرفتیم؛ اما به هیچ نتیجه‌ای نرسیدیم جز یک مورد و آن پیشنهادی بود که «عزام الاحمد»، رئیس هیأت، ارائه داد و در رابطه با برنامه سیاسی دولت وحدت ملی بود؛ ما با آن موافقت کردیم؛ اما در نهایت آنها رفتند و از طرف فتح به این برنامه سیاسی هم اعتراض شد. محمود عباس به‌طور خلاصه از گفت‌وگوها چهار چیز را می‌خواست: دولت وحدت ملی طبق برنامه سازمان آزادی‌بخش فلسطین و متعهد به آن باشد - مسئله‌ای که هرگز بر سر آن توافق نشده و خودش اصل مشکل است؛ دوم اینکه مجلس قانون‌گذاری هیچ جلسه‌ای نداشته باشد- که این هم مخالف توافقات قبلی ما بود- یکی دیگر چارچوب رهبری موقت سازمان آزادی‌بخش فلسطین که درباره آن بحثی نشد. در بین اینها هیچ ذکری از انتخابات مجلس قانون‌گذاری هم به میان نیامد؛ اما او گفت این موضع نهایی من است و به این ترتیب گفت‌وگوها هم تعطیل شد. عباس بر همین بندها تأکید می‌کند و حاضر به دیدار دیگری هم نیست، مگر اینکه موضع ما تغییر کند. طبعا هیچ تاریخی برای دیدارهای بعدی تعیین نشد.

آیا موضع منفی مصر نسبت به محمود عباس بر آشتی بین فتح و حماس اثر گذاشته است؟

موضع مصر درباره آشتی بین فتح و حماس همیشه مهم بوده، بهتر است رابطه مصر با همه طرف‌های فلسطینی معقول و منطقی باشد. مصر تا این لحظه با طرف رسمی یعنی محمود عباس برخورد کرده و مدتی است که اصولا خود را از پرونده فلسطین بیرون کشیده.

رابطه حماس با رهبران جداشده فتح مانند «محمد دحلان» چگونه است؟

دراین‌باره صحبت‌های زیادی می‌شود و حتی می‌گویند یک کمیته مشترک در غزه بین اعضای حماس و طرفداران دحلان وجود داشته است. من می‌پرسم این کمیته به‌جز ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه و اجتماعی به محاصره‌شدگان غزه چه کرده است؟ ما کمک را از هر طرفی باشد، قبول می‌کنیم. این عاقلانه است که یک طرف فلسطینی به ما کمک کند و ما آن را نپذیریم؟ ما در جنبش حماس دنبال وحدت با فتح هستیم و احساس می‌کنیم تعامل با فتح یکپارچه و قوی بهتر از تعامل با یک فتح ازهم‌گسیخته و ضعیف است. ما خواستار حل مشکلات داخلی آنها هستیم، زیرا زیان فتح در عرصه فلسطینی خسارتی بر کل فلسطینی‌هاست. تضعیف فتح باعث زیان بزرگی به همه بخش‌های ملت فلسطین می‌شود. ما خواستار برخورد با فتح رسمی هستیم نه با «فتح»های دیگر و غیر رسمی؛ اما دحلان در قضیه آشتی فلسطین جایی ندارد و خودش هم اصلا مطرح نکرده است. او خودش را در چارچوب کمک مردمی به غزه مطرح کرده که کاری مجاز برای او و دیگران است. رابطه او با مصر یا رابطه عباس با مصر جزء مسائلی است که به ما ارتباط ندارد.

آیا اطلاعاتی درباره چهار فلسطینی ربوده‌شده در مصر دارید؟

هیچ اطلاعات جدیدی از طرف مصری ارائه نشده است؛ اما آنها همچنان در مصر هستند و در یک اتوبوس در داخل اراضی مصر بازداشت شده‌اند، آنها داشتند از گذرگاه رفح به فرودگاه می‌رفتند. مصر دولتی با حاکمیت ملی است و مسئولیت امنیت هر فردی در خاک این کشور بر عهده دولت مصر است و باید مصر پیش از هرکس دیگری آنها را برگرداند.

آیا درهای قاهره به روی حماس باز است یا همچنان قفل؟

نه قفل نیست؛ ما با برادران مصری خود ارتباط داشته‌ایم و این ارتباط قطع نشده است.

در پرونده ربوده‌شدگان هم؟

آنها تمایلی ندارند دراین‌باره گفت‌وگو کنند، می‌گویند اطلاعاتی در این زمینه ندارند؛ اما درباره سایر پرونده‌ها اعم از گذرگاه رفح یا همه آنچه مربوط به امنیت است می‌شود بحث کرد. درباره رابطه مصر با غزه و... در حال بحث‌کردن هستیم.

درباره پرونده اسیران فلسطینی چه؟ آیا قرار است تبادل جدیدی بین آنها با اسرای اسرائیلی انجام شود؟

هر روزی که می‌گذرد اسرا و خانواده‌هایشان رنج و عذاب بیشتری را تحمل می‌کنند؛ این مسئولیت سنگینی برگردن ما می‌گذارد. آنها جوانی‌شان را فدای ملت‌شان کردند و نمی‌توان فراموش‌شان کرد. در جریان معامله شالیط، ۵۷ اسیر آزاد شدند از جمله ۴۷ نفر آنها از حماس بودند که منکر هم نمی‌شویم؛ اما بعد تعدادی از اینها دوباره بازداشت شدند و همان احکام سابق بر آنها تحمیل شد. اگر دشمن به توافقات پایبند نباشد، چه تضمینی وجود دارد که توافقی درآینده صورت گیرد؟ ما قبل از این هم گفته‌ایم باید به توافقات گذشته احترام گذاشته شود.

آیا گفت‌وگو یا میانجیگری‌ای دراین‌باره شده است؟

هیچ گفت‌وگویی نیست و ما هم پیش از اینکه مشکل تعهد به توافقات شالیط و احترام به آن حل نشود، حاضر به گفت‌وگوی جدید نیستیم. باید اسرایی که قرار بود آزاد شوند را آزاد کنند؛ آن‌وقت می‌توان از میانجی‌های جدید صحبت کرد. البته نامه‌هایی می‌آید و می‌خواهند بدانند چند سرباز اسرائیلی اسیر هستند یا وضعیت سلامتی‌شان چگونه است؛ ما هیچ اطلاعاتی به آنها نداده‌ایم، مگر اینکه متعهد شوند برادران ما را که قرار بود در توافق شالیط آزاد کنند، رها کنند، آن‌وقت می‌شود گفت‌وگو کرد.

چه کسی این سؤال‌ها را از شما پرسیده؟ یک میانجی بود؟

همه کسانی که با ما دیدار می‌کنند همین سؤال‌ها را دارند. در قضیه شالیط، هیچ کسی نبود که با ما ملاقات کند و این سؤال را نپرسد؛ برای مثال هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد همین سؤال‌ها را پرسید. جواب ما به همه آنها همین است. به‌هرحال تا این لحظه هیچ میانجی‌ای وجود ندارد.

منبع: العربی الجدید

نگاه

میراث بد اوباما

«باراک اوباما» به‌عنوان رئیس‌جمهوری که میراث‌دار جنگی از «جورج بوش» بود، بعد از هشت سال خدمت به‌عنوان رئیس‌جمهور دوران جنگ، یک تفسیر وسیع از اختیارات فرماندهی کل قوا را برای به‌راه‌انداختن جنگ در جهان برای رئیس‌جمهور بعدی؛ یعنی «دونالد ترامپ» به‌جای می‌گذارد و این تفسیر نیز هم‌زمان با تدارک اوباما برای واگذاری قدرت به ترامپ رو به گسترش است.

او در هفته‌های آخر ریاست جمهوری‌اش اقدام به گسترش ابعاد حقوقی و قانونی جنگ آمریکا با افراط‌گرایان در جهان کرده است.

این تصمیم براساس اجرای گسترده اختیار استفاده از زور مربوط به دوران پس از حملات ۱۱ سپتامبر گرفته شده است.

این قانون مکررا از سوی اوباما برای توجیه عملیات‌های نظامی خارجی مورد استناد قرار گرفت. بااین‌حال منطق این قانون نگرانی‌هایی را درباره اینکه ترامپ چطور از سوابق اوباما برای توجیه درگیری‌های خارجی جدید بدون هرگونه رایزنی با کنگره استفاده خواهد کرد به وجود آورده است.

کاخ سفید با قاطعیت از نحوه استفاده اوباما از قدرت نظامی در زمان ریاست‌جمهوری‌اش دفاع می‌کند و هفته گذشته در یک گزارش مفصل استدلال کرده همه عملیات‌های انجام‌شده از سوی او کاملا در چارچوب قوانین داخلی و بین‌المللی بوده‌اند.

«نیل اگلستون»، وکیل کاخ سفید، این گزارش را که نخستین گزارش در نوع خود محسوب می‌شود، گزارشی می‌داند که نشان می‌دهد چطور اوباما تضمین کرده همه عملیات‌های دفاع از امنیت ملی آمریکا در یک چارچوب سیاسی و قانونی که هم‌راستا با ارزش‌ها و منافع ملی و کاملا مؤثر و مشروع بوده‌اند، اجرا شده‌اند.

بااین‌حال این گزارش که اوباما گفته باید به‌طور سالانه به‌روزرسانی شود، فاش کرده که چطور دولت او تا حد بسیار زیادی متکی به اختیارات نظامی ارائه‌شده در سال ۲۰۰۱ بوده است؛ اختیاراتی که حتی خود اوباما منسوخ‌شدنشان را تأیید می‌کند.

اگرچه هدف قانون مربوط به سال ۲۰۰۱، گروه‌های القاعده و طالبان بودند اما بندی در آن درباره به‌اصطلاح «نیروهای شریک» با القاعده در افغانستان یا کشورهای دیگر نیز وجود دارد.

این گزارش نشان داده این بند به‌طورکلی به‌عنوان پوششی برای اقدامات نظامی در یمن، عراق، سوریه، سومالی و لیبی استفاده شده است و همچنین از این بند برای توجیه استقرار نیروهای آمریکایی در کشورهای دیگر استفاده شده است.

«دبورا پیرلستاین»، یک مقام سابق کاخ سفید و استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه یشیوا، می‌گوید: دولت بعدی آمریکا احتمالا از چارچوب به‌جای‌مانده از دولت اوباما به‌عنوان نقطه آغاز عملیات‌هایش استفاده خواهد کرد. این در حالی است که اوباما با وجود وعده‌های زمان انتخاباتش نسبت به محدودکردن اختیارات رؤسای‌جمهور در آمریکا برای دست‌زدن به جنگ، خودش تا حد زیادی متکی به اختیارات به‌جای‌مانده از زمان دوره ۱۱ سپتامبر بود و این نشان می‌دهد که او چطور تحت فشار تهدیدهای نوظهور و دشواری‌های تعامل با کنگره نتوانست به این وعده‌اش عمل کند.

دریچه

چالش‌های پیش‌روی وزیر دفاع آینده آمریکا

ژنرال بازنشسته «جیمز متیس»، گزینه دونالد ترامپ برای وزارت دفاع، در سال‌های آینده که به احتمال فراوان شاهد دوران پرتلاطمی خواهد بود، بزرگ‌ترین ساختار دیوان‌سالاری آمریکا و ماشین جنگی جهان را چگونه هدایت خواهد کرد؟ خبرگزاری فرانسه به موضوعاتی مهم می‌پردازد که جیمز متیس در صورت تأیید انتصابش به مقام وزیر دفاع، با آنها روبه‌رو خواهد شد.

«دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، در طول کارزار انتخاباتی گفته گروه تروریستی «داعش» را به وسیله بمباران نابود خواهد کرد و وعده داده اعضای خانواده افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی را خواهد کشت و زندانیان این گروه‌ها را شکنجه خواهد کرد. اما جیمز متیس به دونالد ترامپ گفته با این روش‌ها موافق نیست و به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور منتخب شعار خود درباره اعمال شکنجه را تخفیف داده است. بعید است جیمز متیس برای مقابله با گروه داعش طرح متفاوتی از سیاست دولت «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا، که بمباران مواضع این گروه و تسلیح گروه‌های محلی برای مبارزه با آن است، ارائه دهد. دونالد ترامپ در تشریح رئوس سیاست خارجی خود تاکنون تأکید کرده است: «پیشبرد عملیات نظامی مشترک و تعرضی برای ضربه‌زدن و درنهایت نابودی گروه موسوم به داعش». او سال گذشته درباره اعزام نیرو به منطقه برای تصرف میادین نفتی در کنترل این گروه صحبت می‌کرد، اما در برنامه‌های رسمی خود به این موضوع اشاره‌ای نکرده است.

افزایش هزینه‌های نظامی

نیروی مسلح آمریکا با فاصله درخورتوجهی از کشورهای دیگر، نیرومندترین و پرهزینه‌ترین ارتش جهان است. حوزه استقرار و عملیات آن سراسر جهان را دربر می‌گیرد، بودجه سالانه آن بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار و تعداد پرسنل آن حدود ۱.۳ میلیون نفر است. چین از نظر هزینه‌های نظامی در مقام دوم قرار دارد، ولی بودجه دفاعی آن حدود یک‌چهارم آمریکاست.

دونالد ترامپ می‌گوید دولت او «اقداماتی ملی و گسترده را برای بازسازی نیروهای مسلح کشور به اجرا خواهد گذاشت». او خواهان افزودن بر تعداد پرسنل، هواپیماها، کشتی‌ها و تسلیحات نیروهای مسلح است. جیمز متیس با افزایش تعداد پرسنل فعال نیروهای مسلح آمریکا روبه‌رو خواهد شد، چون طبق طرح‌های ترامپ، تعداد نفرات نیروی زمینی از ۴۵۰ هزار به حدود ۵۴۰ هزار نفر و تعداد کشتی‌ها و زیردریایی‌های آمریکا از ۳۰۸ به ۳۵۰ فروند افزایش خواهد یافت. دونالد ترامپ درعین‌حال قصد دارد به تعداد هواپیماها بیفزاید و نیروهای مسلح آمریکا را به یک سامانه ضدموشکی «بسیار پیشرفته» مجهز کند. تحت‌تأثیر این طرح‌ها برای افزایش خریدهای تسلیحاتی ارتش آمریکا، قیمت سهام شرکت‌های اسلحه‌سازی به‌تازگی افزایش یافته است. اما طرح‌های دونالد ترامپ برای افزایش هزینه‌های نظامی مستلزم تأیید کنگره آمریکاست.

از سوی دیگر، دونالد ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی کشورهای عضو ناتو و متحدان آمریکا در آسیای شرقی را متهم کرد برای تأمین هزینه پیمان‌های دفاعی که امنیت منطقه را تضمین می‌کنند، سهم کافی نمی‌پردازند. اما از زمان پیروزی در انتخابات ترامپ از برخی از شعارهای خود عقب‌نشینی کرده است. بنابراین اولین وظیفه جیمز متیس این خواهد بود که برای کشورهای متحد توضیح دهد موضع دولت جدید آمریکا دقیقا چیست. آمریکا در سراسر جهان صدها پایگاه و مرکز نظامی دارد و درحال‌حاضر بیش از ۲۰۰ هزار پرسنل نظامی آمریکا در ده‌ها کشور جهان، از جمله حدود ۲۸ هزار نفر در کره‌جنوبی و حدود ۵۰ هزار نفر در ژاپن مستقر هستند.

معضلی به نام افغانستان

با گذشت ۱۵ سال از حمله به افغانستان و هزینه‌کردن میلیاردها دلار هنوز هم وضعیت امنیتی آن کشور لرزان است و نیروهای امنیتی و نظامی افغان قادر نیستند شورشیان را شکست دهند. باراک اوباما در طول هشت سال ریاست خود ناگزیر شد خروج نظامیان آمریکا از افغانستان را به تأخیر بیندازد و در پایان دوره ریاست‌جمهوری او، همچنان حدود هشت‌هزار و ۴۰۰ نیروی آمریکایی در خاک افغانستان مستقر هستند. در جریان کارزار انتخاباتی مسئله افغانستان به‌ندرت مطرح شد، اما دونالد ترامپ در سخنان اخیر تمایل‌نداشتن به دخالت نظامی در کشورهای دیگر را نشان داد. او گفت: «ما سیاست سرنگون‌کردن رژیم‌ها و حکومت‌ها را متوقف خواهیم کرد. هدف ما ثبات است و نه هرج‌ومرج». این در حالی است که جیمز متیس که در عملیات افغانستان نیز مشارکت داشته، از سیاست باراک اوباما برای خروج نیروهای آمریکایی از آن کشور انتقاد کرده است.

دوستی به نام روسیه

دونالد ترامپ در سخنان علنی خود توانایی‌های «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، به عنوان یک رهبر را ستوده و «هیلاری کلینتون»، رقیب دموکراتش در انتخابات، او را متهم کرد «آلت دست» دشمن قدیمی آمریکاست. روسیه از شورشیان شرق اوکراین حمایت کرده، ناحیه کریمه را به خاک خود ضمیمه کرده، در جوار خاک کشورهای اروپای شرقی رزمایش‌های گسترده‌ای انجام داده و از تابستان ۲۰۱۵ در حمایت از دولت «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، در جنگ داخلی سوریه دخالت نظامی کرده است. شاید دونالد ترامپ از جیمز متیس بخواهد برای ایجاد هماهنگی بیشتر با روسیه در جنگ داخلی سوریه و نقاط دیگر راه‌هایی پیدا کند؛ چنین هماهنگی‌هایی با روسیه تاکنون برای نیروهای مسلح آمریکا تصورناپذیر بوده‌اند.